



واشنگتن تروریست‌ها را در سوریه رهانمی کند

تنفس مصنوعی امریکا به نعش داعش

نیرو در این مرکز حضور دارند که ۴۰۰ نفر از آنها نیروهای داعش هستند و در ماه اکتبر با کمک امریکا از رقه خارج شدند. به گزارش رسانه‌ها، قرار است شمار نیروهای گروه موسوم به ارتش جدید سوریه به ۳۰ هزار تن افزایش یابد و هزاران کامیون حامل سلاح برای آنان فرستاده شود. به اعتقاد کارشناسان این اقدام امریکا در راستای احیای داعش شکست خورده است. از سوی دیگر، والری گریسیموف، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه روز چهارشنبه قبل در سخنانی گفت تروریست‌ها در پایگاه نظامی «لنتف» امریکا در جنوب شرقی سوریه تحت آموزش قرار می‌گیرند. به گفته گریسیموف، این شبه نظامیان در حقیقت اعضای داعش هستند اما گروه‌های مربوط به این تروریست‌ها، نام‌های مختلفی را برای خود در نظر می‌گیرند. مقامات کرملین پس از شکست داعش اعلام کرده‌اند دلیلی برای حضور نیروهای امریکایی در خاک سوریه وجود ندارد و این نیروها باید هر چه زودتر سوریه را ترک کنند، اما مقامات واشنگتن به این پنهان که داعش هنوز در سوریه به پایان نرسیده و تهدیدات این گروه برای منافع امریکا و متحدانش همچنان پابرجاست، حضور خود را در شمال سوریه تثبیت کرده‌اند و با ایجاد ۱۰ پایگاه نظامی به دنبال تداوم حضور طولانی مدت خود در منطقه هستند. در واقع حرف‌های جیمز ماتیس وزیر دفاع امریکا مبنی بر اینکه «جنگ علیه داعش هنوز در سوریه تمام نشده و اگر کسی گفته بر داعش غلبه کرده است، باور نکنید» گواهی بر طرح‌های جدید واشنگتن در منطقه است. به باور ناظران، در واقع امریکایی‌ها به دنبال بازسازی داعش با استفاده از تروریست‌های تفکیری هستند که از الرقه، دیرالزور و مناطق دیگر و حتی عراق گریخته‌اند. هدف بازسازی طولانی ک‌ردن مدت جنگ در سوریه از طریق بازسازی داعش با عنوان گروه مسلح موسوم به ارتش جدید سوریه است تا حضور خود را در داخل سوریه طولانی کند. اگرچه

شده از شر داعشی استفاده می‌کنند.

■ **تأمین گروه‌های تروریستی**

هر چند امریکا در ظاهر مدعی مبارزه با داعش است، اما گزارش‌های منتشر شده حاکی از این است که این کشور همچنان از تروریست‌های شکست خورده برای رسیدن به اهداف خود بهره می‌برد. خبرگزاری اسپوتنیک اخیراً به نقل از مرکز آشنی روسیه در سوریه از تشکیل گروه مسلح «ارتش جدید سوریه» در اردوگاه پناهندگان در استان «حسکه» تحت رهبری امریکا خبر داد. بر اساس این گزارش، آوارگانی که به خانه‌های خود بازگشتند، اعلام کردند که نیروهای امریکایی پس از اتمام دوره آموزشی این نیروها، آنها را برای جنگ با نیروهای دولتی سوریه به جنوب این کشور اعزام می‌کنند. در حال حاضر حدود ۷۵۰

نیرو در این مرکز حضور دارند که ۴۰۰ نفر از آنها نیروهای داعش هستند و در ماه اکتبر با کمک امریکا از رقه خارج شدند. به گزارش رسانه‌ها، قرار است شمار نیروهای گروه موسوم به ارتش جدید سوریه به ۳۰ هزار تن افزایش یابد و هزاران کامیون حامل سلاح برای آنان فرستاده شود. به اعتقاد کارشناسان این اقدام امریکا در راستای احیای داعش شکست خورده است. از سوی دیگر، والری گریسیموف، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه روز چهارشنبه قبل در سخنانی گفت تروریست‌ها در پایگاه نظامی «لنتف» امریکا در جنوب شرقی سوریه تحت آموزش قرار می‌گیرند. به گفته گریسیموف، این شبه نظامیان در حقیقت اعضای داعش هستند اما گروه‌های مربوط به این تروریست‌ها، نام‌های مختلفی را برای خود در نظر می‌گیرند. مقامات کرملین پس از شکست داعش اعلام کرده‌اند دلیلی برای حضور نیروهای امریکایی در خاک سوریه وجود ندارد و این نیروها باید هر چه زودتر سوریه را ترک کنند، اما مقامات واشنگتن به این پنهان که داعش هنوز در سوریه به پایان نرسیده و تهدیدات این گروه برای منافع امریکا و متحدانش همچنان پابرجاست، حضور خود را در شمال سوریه تثبیت کرده‌اند و با ایجاد ۱۰ پایگاه نظامی به دنبال تداوم حضور طولانی مدت خود در منطقه هستند. در واقع حرف‌های جیمز ماتیس وزیر دفاع امریکا مبنی بر اینکه «جنگ علیه داعش هنوز در سوریه تمام نشده و اگر کسی گفته بر داعش غلبه کرده است، باور نکنید» گواهی بر طرح‌های جدید واشنگتن در منطقه است. به باور ناظران، در واقع امریکایی‌ها به دنبال بازسازی داعش با استفاده از تروریست‌های تفکیری هستند که از الرقه، دیرالزور و مناطق دیگر و حتی عراق گریخته‌اند. هدف بازسازی طولانی کردن مدت جنگ در سوریه از طریق بازسازی داعش با عنوان گروه مسلح موسوم به ارتش جدید سوریه است تا حضور خود را در داخل سوریه طولانی کند. اگرچه

می‌کند، نجات ابوبکر البغدادی سرر کرده داعش است که گفته می‌شود توسط امریکایی‌ها به مکان امن انتقال یافته است. کمیته بین‌المللی حقوق بشر دو هفته پیش خبر بازداشت ابوبکر البغدادی به دست نیروهای امریکایی را تأیید و اعلام کرد البغدادی در پایگاه صحرایی «تی ۲» نگهداری می‌شود. یک روزنامه ترکیه هم پیش از آن خبر دستگیری البغدادی به دست نیروهای امریکایی را افاش کرده بود. هر چند صحت این خبر از سوی روس‌ها نیز تأیید نشده است، اما از صورت صحت این فرضیه، بحث همکاری امریکا با داعش بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد و این ادعا را تأیید می‌کند که احتمالاً واشنگتن البغدادی را برای جنگ آینده با ارتش سوریه آماده می‌کند. در دو سال گذشته، رسانه‌ها و مقامات روسی، عراقی و سوری بارها خبر زخمی و کشته شدن البغدادی را اعلام کرده بودند که بلافاصله این مسئله از سوی امریکایی‌ها تکذیب می‌شد. اظهارات مقامات امریکایی در تکذیب کشته شدن البغدادی به این فرضیه دامن می‌زند که امریکایی‌ها از محل اختفای او اطلاع داشتند که با قاطعیت چنین اخباری را رد می‌کنند. ایجاد بی‌ثباتی و ناآرامی، در واقع هدف عمده‌ای است که غرب به ویژه امریکا از حمایت گروه‌های تروریستی در منطقه دنبال می‌کنند. اجرای طرح «خاورمیانه بزرگ»

مورد نظر امریکا جز از طریق ایجاد نزاع و درگیری دائمی در خاورمیانه ممکن نخواهد بود، بنابراین ادامه بحران در منطقه به ویژه سوریه استراتژی بلندمدت امریکا برای تضمین امنیت رژیم صهیونیستی است. جبهه عربی- غربی سرمایه‌گذاری‌های زیادی را در سوریه و عراق انجام دادند تا با تجهیز گروه‌های تروریستی بتوانند پروژه‌های مخربانه خود را عملی و جای پایي در منطقه برای خود پیدا کنند، اما پیروزی نیروهای مقاومت در منطقه، سننار یوهای غرب را عقیم گذاشت و مقامات واشنگتن که این روزها رویاهای خود را در سوریه و عراق بر باد رفته می‌بینند، در صدد ایجاد فتنه جدیدی در منطقه هستند تا نیروهای مقاومت را درگیر جنگ فرسایشی و طولانی مدت کنند. پس از آنکه روسیه اعلام کرد پایگاه نظامی خود در طرطوس را به پایگاه دائمی تبدیل می‌کند، مقامات واشنگتن نیز با باقی ماندن نیروهایشان در دوران پاسداسخت سخن گفتند. امریکایی‌ها نمی‌خواهند خاورمیانه را به رقبص سنتی خود واگذار کنند و برای ایجاد موازنه در برابر روسیه، به حضور دائمی در منطقه نیاز دارند. همچنانکه در سه سال گذشته به پنهان مقابله با داعش نزدیک به ۶ هزار نیرو را به عراق اعزام کردند تا در دوران حضور داعش حضور خود را تثبیت کنند. با گذشت هفت سال از جنگ سوریه اکنون بر کسی پوشیده نیست که امریکا و عمال منطقه‌ای آن، باتیان گروه‌های تفکیری در منطقه هستند و به رغم ادعای امریکا و ائتلاف تحت امرش برای مبارزه با تفکیری‌ها، اما امریکایی‌ها از تروریست‌ها برای رسیدن به اهداف خود بهره برداری می‌کنند و عملکرد ائتلاف موسوم به ضد داعش نیز گویای این واقعیت است، زیرا جگتکند امنیت این ائتلاف به جای بمباران مواضع تروریست‌ها، ربرساخت‌های سوریه، ارتش و غیر نظامیان را هدف قرار داده‌اند.

■ **آزربایی**

در مجموع، می‌توان گفت طومار داعش در سوریه و عراق در هم پیچیده و روند تحولات منطقه نیز به نفع روسیه و ایران پیش می‌رود، اما با توجه به تلاش‌های امریکا برای تجهیز مجدد گروه‌های تروریستی برای مقابله با دولت سوریه، محور مقاومت در آینده با چالش جدی روبرو خواهد شد. تجربه ظهور داعش نشان داد در صورت عدم مقابله با تحركات اولیه گروه‌های تروریستی، به مرور زمان هزینه مقابله با آنها به شدت افزایش یافته و حالت فرسایشی به خود می‌گیرد و لذا روسیه و محور مقاومت باید از هم اکنون خود را برای خشنی کردن توطئه‌های جدید واشنگتن در منطقه آماده کنند که این مسئله با توجه به تجربه موفق نیروهای مقاومت مقابل داعش دور از دسترس نیست.

تیر خلاص نتانیاهو با هزینه ترامپ

موسوم به اسرائیل را شامل خواهد شد، اما اکنون با آشکار شدن زرمزه الحاق کامل کرانه باختری به اراضی اشغالی سال ۱۹۴۸ دیگر هیچ فلسطینی نمی‌تواند احساس امنیت داشته باشد و چه بسا هر آن امکان دارد در معرض خود جدید جابه‌جایی جمعیتی و موج جدید آوارگی قرار گیرد. در صورتی که راستگرایان صهیونیستی و امریکایی‌ز زمینه را برای اجرای طرح‌های اعلامی و غیر اعلامی خود مساعد ببینند هر یک از کشورها و مناطق جهان با توجه به فرایت و نزدیکی خود به محل بحران هزینه‌های ناخواسته و هزینه‌ها را پرداخت خواهند کرد. شاید بتوان گفت بیشترین مغزینه‌ها متوجه همسایگان فلسطین و سرزمین‌های اشغالی است. نکته قابل توجه و تأمل در این میان این است که کشورهایمانند اردن و مصر که اولین و دومین فرار داد به اصطلاح صلح را با رژیم صهیونیستی امضا کرده‌اند بیش از دیگران در معرض توطئه جدید یا آنچه از آن به معمله قرن توصیف می‌شود، قرار دارند و آنچه از قرآن و شواهد بر می‌آید دست کم بخش‌هایی از خاک این کشورها وجه‌المصالحه معامله به اصطلاح قرن خواهد



پکن به دنبال امنیت‌سازی از مسیر توسعه است

دهلیز اقتصادی چین برای صلح در افغانستان

■ **رویکرد**

دکتر سید نعمت‌الله عبدالرحیم زاده

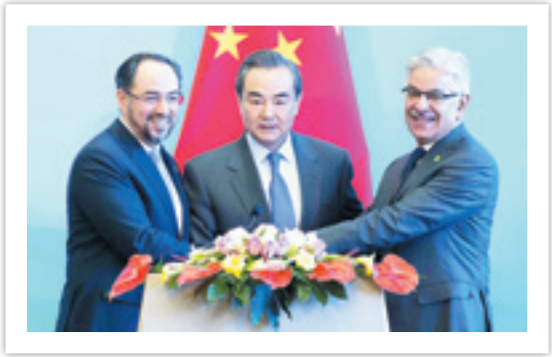
شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین اوایل ماه ژوئن در حاشیه اجلاس سازمان همکاری‌های شانگهای با محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان دیداری داشت تا آمادگی خود را برای برگزاری یک نشست سه جانبه به مشارکت پاکستان به او اعلام کند. از گ ریاست جمهوری افغانستان همان موقع خبرنامه‌ای را منتشر کرد تا ضمن انتشار خبر دیدار چین‌پینگ با غنی جزئیات بیشتری را در باره این نشست و پیشنهادهای پینگ به غنی بیان کرده باشد که هم جنبه اقتصادی داشته و هم امنیتی به خصوص در مورد مبارزه با تروریسم. حالا بعد از شش ماه، این نشست با حضور وزرای خار چه سه کشور چین، افغانستان و پاکستان روز سه‌شنبه ۲۶ دسامبر در شهر پکن، پایتخت چین برگزار شد تا نخستین اجلاسی باشد که چین بدون دخالت امریکا به طور مستقیم پرونده اختلافات دو کشور افغانستان و پاکستان را به دست بگیرد. این اقدام چین به خصوص بعد از اعلام استراتژی جدید امریکا در افغانستان از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا قابل توجه است و نشان می‌دهد که پکن راهی بر خلاف واشنگتن برای صلح در افغانستان بی‌گرفته است، اما باید دید با این کار می‌تواند صلح را برای مردم افغانستان به ارمغان بیاورد یا همچنان بمب‌های امریکایی هستند که بر سر این مردم فرود می‌آیند؟

■ **تلاش ۲ ساله**

چین فقط از شش ماه قبل برای ورود مستقیم به موضوع صلح در افغانستان دست به کار نشد، بلکه دو سه سالی است که این موضوع را در دستور کار خود قرار داده و نقش فعالی را در این زمینه به عهده گرفته است. پکن در اکتبر ۲۰۱۴ چهارمین کنفرانس قلب آسیا به صلح در افغانستان برگزار کرد که نمایندگان ۱۳ کشور دیگر از جمله افغانستان، ایران، پاکستان و روسیه در آن شرکت داشتند. هر چند این کنفرانس در ادامه روندی بود که از ۲۰۱۲ شروع شده بود، اما این یکی مجال به پکن داد تا مشارکت جدی را در جهت صلح در افغانستان داشته باشد و همین نیز باعث شد تا اشرف غنی بعد از این کنفرانس و آمدن به کابل امیدوار تر از قبل شود و خود را آماده سفر به اسلام‌آباد کند به این امید که با تأثیر گذاری چین بر پاکستان، بتواند از در گفت‌وگو با مقامات پاکستان گامی به سوی صلح با طالبان بردارد. نقش فعال چین در پرونده صلح افغانستان در آن موقع به حدی مطرح شده بود که حتی شایع شد هیئتی از گروه طالبان به رهبری قاری دین محمد حنیف، وزیر پلان و تحصیلات عالی در زمان حکومت طالبان، عازم این کشور شدند. گروه طالبان به سرعت با تکذیب این خبر اعلام کردند بر موضع قبلی خود پابرجا بوده و نه به کشوری هیئت فرستاده و نه به میانجیگری کشوری پاسخ مثبت داده‌اند هر چند در اعلامیه خود اصل ارتباط با کشورهای مختلف را تأیید کردند. به هر حال، چین آن موقع نخستین گام‌های مستقل خود را در پروسه صلح افغانستان برداشت تا گذر زمان فرصت برداشتن گام دیگری به این کشور بدهد و بتواند قوی‌تر از گذشته در این راه پیش برود.

■ **جنگ طلبی ترامپ**

یک وجه قابل توجه برای فعال شدن نقش چین در افغانستان در آن زمان مربوط به ناتو و برنامه آن در این کشور می‌شد. در واقع، پکن در حالی خود را آماده فعال کردن نقش در افغانستان می‌کرد که از قبل در مورد پایان برنامه نظامی ناتو در افغانستان گفته شده بود و حتی برنامه‌ای برای خروج نیروهای این کشور بعد از ۲۰۱۴ مطرح شده بود. این موضوع در ۲۷ دسامبر همان سال با اجرای برنامه رسمی در مقر فرماندهی نیروهای ناتو در کابل کلید خورد و زرمال جان کمپبیل، فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان، در آن برنامه مسئولیت تأمین امنیت در افغانستان را به عهده نیروهای افغانی گذاشت و اعلام کرد تنها ۱۲ تا ۱۵ هزار نیروی ناتو در افغانستان می‌مانند که وظیفه‌ای در حد آموزش و مشورت‌دهی به نیروهای افغانی دارند. پکن با توجه به این شرایط بود که وارد ماجرا شد



و نه تنها عضوی از گفت‌وگوی‌های چهار جانبه، بلکه مرادوات خود را با دو طرف افغانی و پاکستانی آن هم به عنوان کشوری مستقل شروع کرد. این روند بعد از دو سال با ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید به خطر افتاد؛ چراکه ترامپ نه تنها چین را در حوزه افغانستان مثل دیگر حوزه‌ها رقیب امریکایی داند، بلکه استراتژی‌ای را در خصوص افغانستان اعلام کرد که با برنامه چین در این کشور تعارض کامل دارد. ترامپ در استراتژی خود از یک طرف بر طبل جنگ در افغانستان کوبید و از طرف دیگر، پاکستان را تهدید کرد با این ادعا که خاک خود را پناهگاه امن تروریست‌ها کرده است. باید گفت که برنامه چین با هر دو وجه استراتژی ترامپ تعارض دارد؛ چراکه پکن اصل برنامه را بر کنار گذاشتن اتهام‌زنی و رو آوردن به مذاکره گذاشته است. این نکته اصلی است که وانگ یی، وزیر خارجه چین در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با خواجہ آصف، وزیر خارجه پاکستان پاکستان «تلاش می‌کند تا اختلافات دو طرف کاهش یابد و بین دو کشور اعتماد متقابل ایجاد کند.» به عبارت دیگر، هر چقدر استراتژی ترامپ حول ایجاد تنش بین دو کشور افغانستان و پاکستان برای تشدید جنگ تنظیم شده، پکن برنامه خود را بر مبنای ایجاد فضای آرام بر مبنای اعتماد دو طرف افغانی و پاکستانی تعریف کرده است.

■ **همکاری‌های مشترک**

هر چند پکن نخستین گام خود را برای تحقق این برنامه با برگزاری نشست سه جانبه برداشته است، اما تجربه کشوری مستقل داده که صرف این نشست‌ها نمی‌تواند تأثیر عملی داشته باشد و در واقع امر هم به صلح در افغانستان ختم شود. پکن به عنوان عضوی از گفت‌وگوهای چهار جانبه تجر به غنی از این موضوع دارد؛ چرا که دست‌کم شش دور مذاکرات تأثیر میدانی نداشته و حتی باعث نشده تا طالبان از حجم حملات خود بکاهد. از گفت‌وشنودهای نشست پکن چنین چیزی یاد که طرف چینی با توجه به این تجربه وجه همکاری‌های اقتصادی را بر همکاری‌های امنیتی ترجیح داده تا با ایجاد زمینه‌های مشترک در حوزه اقتصادی بتوان عرصه‌ای برای همکاری‌های امنیتی ایجاد کرد و از این ره‌آورد، گام عملی برای برقراری صلح در افغانستان برداشت. پروژه دالان اقتصادی یا به بیان دیگر، دهلیز اقتصادی برنامه عملی چین در وجه همکاری اقتصادی است که ابتدای امر سرمایه به سقف ۴۶ میلیارد دلاری برای آن در نظر گرفته شده بود، اما حالا گفته می‌شود که این سرمایه به سقف ۵۷ دلار می‌رسد. این پروژه مجموعه‌ای از برنامه‌های زیرساختی شامل احداث شبکه‌های حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی، تولید نیروگاه‌های انرژی و راناندازی مناطق ویژه اقتصادی است که خطی از شمال غرب پاکستان تا جنوب شرق این کشور را در بر می‌گیرد و باعث اتصال غرب چین به بندر پاکستانی گوام می‌شود. برخی این پروژه را با طرح امریکایی مرشال بعد از جنگ جهانی دوم مقایسه کرده‌اند و حالا چین می‌خواهد افغانستان را در این پروژه وارد کند تا مبنای همکاری اقتصادی بین افغانستان و پاکستان ایجاد شود. وانگ یی گفت چنین چیزی را به مثابه منفعت متقابل دو کشور و رابطه‌ای بر مبنای برد-برد دانسته است هر چند می‌داند در شرایط فعلی نمی‌تواند انتظار زیادی داشته باشد و به همین جهت هم گفته که باید از برنامه‌های کوچک و ساده شروع کرد تا به تدریج جماعی بین سه کشور شکل بگیرد. معلوم است که پکن می‌خواهد با سیاست اقتصادی گام به گام افغانستان را همگام با پاکستان کند تا در مسیر بین دو کشور اعتمادسازی کند و بعد جهت مسیر را به سمت صلح دولت افغانستان و طالبان پیش ببرد. روشن است که امریکا مهم‌ترین مانع پکن در این مسیر است چنانکه استراتژی ترامپ این واقعیت را نشان داد، اما پکن امید دارد با ایجاد منافع اقتصادی برای دو طرف افغانی و پاکستانی، دهلیز را ایجاد کند که بی‌موضن آن صلح برقرار شود.